

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۱، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۲۷ تا ۵۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

الگوی مطلوب افزایش خواسته در حقوق ایران

اغلاقامرضا اولیائی | دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد آیت اله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی،
آمل، ایران.

اسهیل طاهری* | استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران.

چکیده

در قانون آیین دادرسی مدنی، حقوقی برای خواهان در نظر گرفته شده است که تا پایان جلسه اول دادرسی، امکان طرح آن وجود خواهد داشت. این حقوق به صورت کلی به دعوی اضافی تعبیر می‌شود. در قانون آیین دادرسی مدنی فقط یک ماده به این موضوع اختصاص پیدا کرده و تنها به ذکر مصادیقی از قبیل کاهش خواسته، افزایش خواسته، تغییر نحوه دعوا، تغییر خواسته و تغییر درخواست پرداخته شده و چگونگی اجرای هر یک را صریحاً بیان نکرده است. افزایش خواسته صرفاً به صورت افزودن بر میزان خواسته مرقوم شده در دادخواست اصلی و بدون رعایت تشریفات معمول دادرسی، بروز خواهد کرد، در حالی که دعوی اضافی به همراه دادخواست جدید توسط خواهان مطرح و در واقع با این عمل، دعوی جدیدی جهت اشتغال دادگاه پایه ریزی خواهد شد. به طور حتم این دو نگاه متفاوت، می‌تواند بر صلاحیت مرجع رسیدگی کننده و قابلیت شکایت از رأی صادره، اثر ملموسی در پی داشته باشد. در این مقاله تلاش شده ضمن نگاه به فلسفه وجودی این دو مفهوم با برخی استنتاج‌های نوین قانونی، با ارائه پیشنهاد «حذف اصطلاح افزایش خواسته و تأسیس ماده واحده‌ای مستقل» در نظام دادرسی فعلی، گامی کوچک در جهت تبیین و ارائه الگوی مطلوب از افزایش خواسته، در جامعه حقوقی کشور بر دارد.

واژگان کلیدی: افزایش خواسته، دعوی اضافی، کاهش خواسته، تغییر نحوه دعوا، تغییر خواسته، تغییر درخواست.

مقدمه

در حقوق ایران و برخی از کشورها (فرانسه و لبنان)، به خواهان دعوا اجازه داده شده است که بعد از تقدیم دادخواست و در صورت نیاز بتواند ادعای اصلی خود را تغییر دهد (اصلاح کند). در حقوق فرانسه از این اختیارات تحت عنوان دعوی اضافی نام برده می‌شود که ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی کشور فرانسه، به صراحت آن را یکی از دعاوی طاری شناخته است. در حقوق لبنان به مانند قانون کشور فرانسه، اصطلاحی با عنوان افزایش خواسته وجود ندارد، در این قانون نیز دعوی اضافی، دعوی است که خواهان بعد از دعوی اصلی در مقابل خوانده، برای ایجاد نوعی تغییر در دعوی اصلی، در ضمن دادخواست مطرح می‌کند (خلیل، ۲۰۰۱: ۵۸). در حقوق ایران هم در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، بدون ذکر اصطلاح دعوی اضافی، به اختیارات خواهان در تغییر و تصحیح دعوی اولیه، اشاره شده است. بنابراین در حقوق ایران در مورد وجود چنین اختیاراتی برای خواهان هیچ تردیدی وجود ندارد، لیکن آنچه محل بحث است، ماهیت و چگونگی اجرای این اختیارات است. البته باید اذعان کرد که در قانون آیین دادرسی مدنی ایران، گاهی میان عنوان فصول و مطالبی که ذیل آن فصل مطرح می‌شود، رابطه منطقی وجود ندارد (متین دفتری، ۱۳۸۱: ۷۳).

با این تفاسیر می‌توان گفت طبق اصطلاح افزایش خواسته که در ماده ۹۸ آمده است، خواهان می‌تواند خواسته خود را افزایش دهد. افزایش خواسته نقطه مقابل کاهش خواسته است و در خواسته‌هایی امکان‌پذیر است که کاهش آن نیز امکان تحقق داشته باشد. افزایش خواسته مشروط به سه شرط است: شرط نخست، اینکه تا پایان اولین جلسه دادرسی اقامه شود؛ شرط دوم، ارتباط کافی در قسمت افزایش یافته با دعوی مطروحه؛ و شرط سوم، منشأ قسمت افزایش یافته با منشأ خواسته مصرحه در دادخواست، واحد باشد. افزایش خواسته، محدوده رسیدگی دادگاه را طبق خواسته جدید افزایش می‌دهد و دادگاه در صورت وجود شرایط قانونی می‌تواند خوانده را تا حد مبلغ جدید درخواستی محکوم کند. مابه‌التفاوت هزینه دادرسی بایستی توسط خواهان پرداخت شود و خسارت دادرسی نیز نسبت به افزایش خواسته قابل مطالبه است؛ در واقع قابلیت شکایت از رأی صادره نیز به لحاظ مبلغ جدید، تعیین می‌شود و اصل تناظر نیز در تمام مواردی که خواسته، افزایش داده می‌شود باید رعایت شود. از طرفی اصطلاح دعوی اضافی نیز در قانون جدید آیین دادرسی مدنی دیده نمی‌شود و در قانون اصول محاکمات حقوقی و قانون قدیم مصوب ۱۳۱۸ و اصلاحات بعدی آن‌ها نیز اصطلاح مزبور نیامده است. دعوی اضافی از اصطلاح فرانسوی گرفته شده که به معنای درخواست اضافی است و همانطوری که پیش‌تر بیان شد در ماده ۶۵ قانون آیین

دادرسی مدنی فرانسه، زیر عنوان درخواست طاری تعریف شده است. به موجب این ماده درخواست اضافی^۱، درخواستی است که به موجب آن یک طرف، خواسته‌های پیشین خود را تغییر می‌دهد (Gerard couches, 1998: 58). درخواست اضافی در کنار درخواست متقابل، ورود ثالث و جلب ثالث، درخواست‌های طاری را در حقوق فرانسه تشکیل می‌دهند که تعریف، شرایط طرح و رسیدگی به آن در مواد ۶۳ تا ۷۰ قانون مذکور پیش‌بینی شده است. دعوای اضافی که در ماده ۱۷ به آن اشاره شده است، دعوایی است که خواهان دعوای اصلی یا متقابل، پس از اقامه دعوای اصلی، علیه خواننده هریک از این دعاوی اقامه می‌کند که با دعوای مزبور در صورتی که مرتبط یا دارای یک منشأ باشد دعوای طاری نامیده می‌شود که دعوایی تمام‌عیار است و باید با دادخواست اقامه شود (مقصودپور، ۱۳۹۱: ۸۵).

برخی از حقوق‌دانان نیز ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی را مستند و مبنای دعوای اضافی می‌دانند (بدریان، ۱۳۷۴: ۱۳)، با این توضیح که، به موجب ماده ۹۸، امکان افزایش خواسته وجود دارد که همان دعوای اضافی است. این افزایش می‌تواند به صورت کمی، مانند اینکه خواسته از یک میلیون ریال به دو میلیون ریال افزایش یابد و یا افزایش تعداد خواسته‌ها، باشد. مانند اینکه ابتدائاً دعوای تخلیه مطرح شود و سپس مطالبه اجور معوقه نیز در جلسه اول به عمل آید (واحدی، ۱۳۷۸: ۳۸).

در نظام حقوقی ایران نیز برخلاف سایر دعاوی طاری، تقابل، جلب ثالث و ورود ثالث، آثار و احکام دعوای اضافی مطرح نشده است و از طرفی مبنای دعوای اضافی در حقوق ایران نیز با اختلافات فراوانی مواجه است. سکوت، نقص و اجمال قوانین داخلی درمورد دعوای اضافی و افزایش خواسته و ضرورت مطالعه تطبیقی آن دو در این نوشتار، خارج از موضوع این اثر است، و از طرفی به جهت رفع ابهام در حقوق موضوعه ایران و همچنین روشن شدن موضوعات مطروحه، سؤالات و فرضیه‌های ذیل نیز قابل طرح است؛ مهم‌ترین تفاوت‌ها و تشابهات دعوای اضافی و افزایش خواسته در چیست؟ موارد نقص یا اجمال دعوای اضافی و افزایش خواسته در حقوق موضوعه ایران چیست؟ دعوای اضافی و افزایش خواسته در سایر نظام‌های حقوقی دنیا به چه کیفیتی است؟ در جواب به این سؤالات می‌توان گفت، مهم‌ترین تفاوت دعوای اضافی و افزایش خواسته در این است که دعوای اضافی، دعوایی مستقل اما افزایش خواسته، صرفاً یک درخواست است. دعوای اضافی و افزایش خواسته از جنبه مهلت اقامه، شکل اجرا و اعمال در آیین دادرسی

1. demande additionnelle

مدنی، دارای تشابهات زیادی هستند. ارتباط کامل یا اتحاد منشأ و ضرورت یا عدم ضرورت تقدیم دادخواست، از موارد نقص یا اجمال دعوی اضافی و افزایش خواسته در حقوق ایران است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا، دعوی اضافی پذیرفته شده و افزایش خواسته به صورت استثنا آن هم با تشریفات متفاوت با ایران، قابل طرح است. در مورد سابقه پژوهش در این دو مقوله نیز می‌توان گفت، دعوی اضافی در حقوق ما و اصطلاحات رایج دکترین حقوقی چندان شناخته شده نیست و در مقالات و کتب حقوقی نیز بحث‌های اندکی در این خصوص بیان شده است که از آن جمله می‌توان: مقالات «دعوی اضافی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو رأی احمدو سادیو دیالو» اثر هادی آذری (۱۳۹۲)، «دعوی اضافی» اثر محمد مولودی (۱۳۸۱)، «مهلت اقامه دعوی اضافی» اثر مهدی حسن‌زاده (۱۳۹۰)، محمد امامی و همکاران (۱۳۹۲)، «دعوی طاری و شرایط اقامه آن» اثر رسول مقصدپور (۱۳۹۱) را ذکر کرد. افزایش خواسته نیز که طبق ماده ۹۸ به آن اشاره شده است به مانند موضوع دعوی اضافی آنچنان که شایسته است در حوزه حقوقی و مراکز دانشگاهی به آن پرداخته نشده است و به غیر از چندین مقاله همچون «مفهوم و آثار افزایش خواسته در دادرسی مدنی» اثر صالح یمرلی و مهدی صیادی (۱۳۹۶)، «تغییر عناصر دعوی» اثر خیراله هرمزی (۱۳۹۲) و تنها کتاب غیرجامع با عنوان افزایش خواسته در رویه دادگاه‌ها از انتشارات چراغ دانش (۱۳۹۶) نمی‌توان موردی را پیدا کرد. با لحاظ این توصیفات، لازم است تا مفهوم، مبنا و ضرورت، شرایط و احکام قانونی دعوی افزایش خواسته در حقوق ایران، واکاوی شود، بر این مبنا ابتدا به معرفی آن خواهیم پرداخت و پس از بررسی جایگاه آن در حقوق ایران، شرایط اقامه و رسیدگی به دعوی افزایش خواسته و دیگر مصادیق آن، به شکل توصیفی و تحلیلی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و در نهایت نسبت به ارائه الگوی مطلوب در پذیرش یکی از دو اصطلاح دعوی اضافی و افزایش خواسته در نظام حقوقی دادرسی فعلی، به همراه پیشنهاد تأسیس یک ماده واحده که از نوآوری‌های این تحقیق است، اقدام خواهیم کرد.

۱. معرفی افزایش خواسته

به عنوان یک قاعده کلی می‌توان گفت که هر یک از اصحاب دعوا حق دارند با اثبات علت موجه، ادعاها و یا دفاعیات خود را در شرایط قانونی و مشخص شده تصحیح و اصلاح کنند، به شرط آنکه در اسرع وقت این تغییرات یا اصلاحات به طرف مقابل دعوا، اطلاع‌رسانی یا ابلاغ شود تا باعث تأخیر نامتعارف و غیرقانونی در دستیابی به یک دادرسی عادلانه نشود و ابزاری برای بی‌عدالتی نگردد (پوراستاد، ۱۳۸۷: ۳۲). افزایش خواسته یکی از اختیاراتی است که قانون‌گذار به

خواهان اعطا کرده است تا در شرایطی بتواند خواسته اولیه خود را که در دادخواست قید کرده است افزایش دهد و این امر در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی به صورت قانونی بیان شده است. به موجب این ماده، خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده است با تجمع شرایطی، افزایش دهد؛ یعنی خواسته‌ای که سابقاً از جانب خواهان مطرح شده است، افزایش یابد، مانند اینکه خواهان بدو دعوی خلع ید از دو دانگ ملکی اقامه کند و متعاقباً این خواسته را به خلع ید از چهار دانگ همان ملک افزایش دهد. با این حال، طرفداران نظریه وحدت ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی و دعوی اضافی، معتقدند که افزایش تعداد خواسته‌ها نیز در همین قالب، پذیرفتنی است و مثال‌های متعددی در این زمینه ارائه می‌دهند، مانند اینکه خریدار بعد از عقد بیع و پرداخت ثمن به فروشنده، متوجه می‌شود که در معامله دچار غبن فاحش شده است و بر این اساس بعد از اعلام شفاهی فسخ معامله، دادخواستی به خواسته تأیید فسخ، تقدیم دادگاه می‌کند، اما قید استرداد ثمن در دادخواست فراموش می‌شود یا در دعوی خلع ید بعد از تقدیم دادخواست، خواهان متوجه می‌شود که خوانده در ملک موضوع دعوا، به احداث بنا هم مبادرت کرده است. به اعتقاد این دسته از حقوق دانان، در هر دو مورد، خواهان می‌تواند استرداد ثمن یا قلع و قمع بنا را نیز به خواسته اولیه خویش اضافه کند (مولودی، ۱۳۸۱: ۲۹۶). قانونگذار در ماده ۹۸، از افزایش خواسته بحث می‌کند و نه الحاق خواسته‌ای جدید (مهاجری، ۱۳۸۵: ۱۳) و بدیهی است در قالب ماده ۹۸ امکان الحاق خواسته‌ای جدید وجود ندارد. در نتیجه باید پذیرفت، صرفاً تغییر در کمیت خواسته امکان‌پذیر است و نمی‌توان در قالب ماده ۹۸ به طرح خواسته‌ای جدید اقدام کرد (بهشتی و مردانی، ۱۳۸۵: ۷۸).

۲. مفهوم و جایگاه افزایش خواسته در حقوق ایران

علت اصلی هر دعوی حقوقی تخلف هر یک از طرفین دعوا از تعهداتشان است و در واقع خواسته رکن اصلی هر دعوی حقوقی است و تقاضایی است که خواهان از مرجع صالح می‌کند تا جهت رسیدن به آن خوانده را محکوم نماید. مطابق قانون آیین دادرسی مدنی، خواسته در جلسه اول دادرسی توسط خواهان قابل تغییر (کاهش یا افزایش) است، مشروط بر اینکه منشأ آن با دعوی اول، یکی و یا با آن ارتباط کامل داشته باشد، اما خواهان مجاز به کاهش خواسته خود در تمام مراحل دادرسی است. تقدیم دادخواست با هدف خاصی صورت می‌گیرد، خواهان ضرر و زیان می‌خواهد، منع یا الزام خوانده به انجام عملی را درخواست می‌کند، تحویل مال منقول و یا ادای دینی را تقاضا می‌کند و ... (شمس، ۱۳۹۵: ۳۴).

با این تفاسیر، خواسته، جوهره اصلی دادرسی است؛ به این مفهوم که آنچه خواهان را وادار می‌کند که در دادگاه حاضر شود و دادخواست تنظیم کند، وجود حقی است که خواهان، ادعای نقض آن را توسط خواننده دعوا دارد. به این ترتیب خواسته، گستره و هدف دادرسی را مشخص می‌کند و می‌تواند مالی مانند پول یا یک واحد مسکونی باشد یا غیر مالی، مانند الزام به تمکین یا انجام عملی باشد. ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیز در بند سوم این موضوع را آورده است که «تعیین خواسته و بهای آن مگر آنکه تعیین بها ممکن نبوده و یا خواسته، مالی نباشد». پس از آن ماده ۵۳ همین قانون، عدم ذکر خواسته را مانع به جریان افتادن دادخواست دانسته است. بنابراین خواسته، جوهره یک دادرسی است و تا آن وجود نداشته باشد، دادرسی مفهومی نمی‌یابد. در حقوق بسیاری از کشورها به خواهان دعوا اجازه داده شده که بعد از تقدیم دادخواست و اقامه دعوا، در صورت نیاز، به تصحیح یا تغییر و تکمیل ادعاهای قبلی و اصلی خود مبادرت ورزد. قانون آیین دادرسی مدنی ما نیز در ماده ۹۸ چنین اجازه‌ای را صادر کرده است. یکی از مواردی که در این جهت برای خواهان معمول است، افزایش خواسته دعواست. همیشه این امکان وجود دارد که در زمان تقدیم دادخواست، خواهان به دلایلی نخواستته یا نتوانسته باشد همه خواسته‌های موردنظر خود را مطرح کند و یا اینکه بعد از اقامه دعوا، اوضاع و احوال جدید حاصل شده باشد که قبلاً وجود نداشته یا اگر وجود داشته، مدعی بعد از تقدیم دادخواست به آن متوجه شده است. در چنین مواردی، ماده ۹۸ به خواهان اجازه داده است که به جای اقامه دعوی مستقل دیگری، در همان پرونده، خواسته جدید را به خواسته اولیه اضافه کند. در واقع چنین حقی را دادگاه به خواهان داده است تا از طرح دعاوی متعدد در یک موضوع جلوگیری شود و در مقابل، حق خواهان نیز پایمال نشود. افزایش خواسته افزودن به خواسته اولیه‌ای است که خواهان در ابتدا آن را تقاضا کرده است. افزایش خواسته در مقابل کاهش آن قرار دارد. کاهش خواسته نیز به معنای کم کردن از خواسته اولیه دادرسی است (گروه پژوهشی افزایش خواسته در رویه دادگاه‌ها، ۱۳۹۷: ۱۷).

۳. شرایط اقامه و رسیدگی به افزایش خواسته

در این قسمت شرایط درخواست افزایش خواسته، انواع افزایش خواسته و مواردی که پس از افزایش خواسته بایستی اعمال و رعایت شود، بررسی می‌شود.

۳-۱. شرایط درخواست افزایش خواسته

افزایش خواسته به هر نحو امکان درخواست ندارد و طبق قانون باید شرایط خاصی را دارا باشد. از جمله این شرایط می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. افزایش خواسته بایستی مربوط به خواسته اولیه تقاضاشده توسط خواهان باشد. در واقع این نگاه با توجه به ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی در صورتی امکان‌پذیر است که با خواسته اولیه، ارتباط کامل داشته باشد. به این نحو که اتخاذ تصمیم در هر یک، در دیگری نیز مؤثر خواهد بود.

۲. باید هر دو خواسته از منشأ واحدی باشند. اگر خواهان در دعوی اجرت‌المثل یک ملک، مبلغی را تقاضا کرده باشد، نمی‌تواند به‌عنوان افزایش خواسته، مبلغی را نیز به‌عنوان خسارت وارده به همان ملک، به آن اضافه کرد. درحقیقت منشأ خواسته اول، غصب و منشأ خواسته دوم، اتلاف است. بنابراین اگر منشأ دو خواسته یکسان نباشد، افزایش خواسته مفهوم نمی‌یابد و از سویی دادگاه پذیرفته نخواهد شد و به دادخواست مجزا نیاز دارد.

۳. طبق ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، افزایش خواسته باید صرفاً تا پایان جلسه اول دادرسی صورت گیرد. اگر در این فاصله زمانی، خواهان درخواست خود را مبنی بر افزایش خواسته مطرح نکند، دیگر نمی‌تواند تقاضای خود را با عنوان افزایش خواسته به دادگاه ارائه دهد و برای طرح دعوی خود نیازمند دادخواست جدید است. تا پایان اولین جلسه دادرسی یا در جلسه اول دادرسی، ظرف زمانی است که قانونگذار برای افزایش خواسته در نظر گرفته است. در تعریف این زمان بایستی گفت:

جلسه اول دادرسی را اولین جلسه دادگاه می‌گویند که موجبات قانونی رسیدگی به دعوا در آن فراهم باشد و مذاکرات طرفین نیز طی آن پایان پذیرد. به عبارتی دیگر، برای تشکیل اولین جلسه دادرسی، باید موجبات تشکیل جلسه فراهم باشد، جلسه مذکور هم تشکیل بشود و آن جلسه نیز پایان هم بپذیرد، یعنی مذاکرات طرفین در آن جلسه خاتمه یابد و الا اگر جلسه مذکور قبل از ختم مذاکرات طرفین تمدید یا تجدید شود، جلسه بعدی ادامه جلسه اول محسوب می‌گردد (واحدی، ۱۳۷۶: ۷۴).

افزایش خواسته تا پایان اولین جلسه دادرسی امکان‌پذیر است و در جلسات بعدی دادرسی، این امکان برای خواهان وجود ندارد. با افزایش خواسته، محدوده رسیدگی دادگاه تا حد خواسته جدید افزایش می‌یابد و دادگاه می‌تواند خواننده را تا حد مبلغ جدید محکوم کند. مابه‌التفاوت هزینه دادرسی نیز می‌بایست پرداخت شود و خسارت دادرسی نیز، نسبت به خواسته افزایش‌یافته، از آن پس، قابل مطالبه است. قابلیت شکایت از رأی صادره نیز با لحاظ مبلغ جدید، تعیین می‌شود.

همچنین، با تغییر خواسته، ممکن است جلسه دادرسی به تأخیر افتد و یا اینکه جلسه دادرسی تجدید شود و گاهی تغییر خواسته موجب شود که دادخواست رد شود و گاهی نیز موجب شود که دعوی که قبلاً قابلیت تجدیدنظرخواهی را نداشته، با تغییر خواسته این قابلیت را پیدا کند (بیمرلی و صیادی، ۱۳۹۶: ۲۷).

۲-۳. موارد افزایش خواسته

افزایش خواسته می‌تواند هم به صورت افزایش در میزان کمی خواسته و هم افزایش در تعداد آن باشد، افزودن میزان کمی خواسته، مانند اینکه خواسته اولیه خواهان، مطالبه پانصد هزار ریال وجه استقراضی بوده، ولی بعد از اقامه دعوی، متوجه می‌شود که در واقع مبلغ یک میلیون ریال از خواننده بستانکار بوده است. در این حال می‌تواند خواسته خود را به مطالبه یک میلیون ریال افزایش دهد. افزایش در تعداد خواسته نیز مانند زمانی که خواهان، تخلیه عین مستأجره را تقاضا کرده است اما بعداً پرداخت اجور معوقه را نیز بدان بیفزاید یا اینکه ابتدا دادخواست تأیید و تنفیذ معامله را تقدیم کند و بعداً الزام به تسلیم مورد معامله را هم به آن اضافه نماید (همان، ۲۱).

۳-۳. اعمال موارد پس از درخواست افزایش خواسته

۱-۳-۳. پرداخت مابه‌التفاوت هزینه دادرسی

در صورت پذیرش افزایش خواسته، خواهان می‌بایست مابه‌التفاوت هزینه دادرسی را پرداخت کند. در بعضی مواقع ممکن است خواهان علی‌رغم ابلاغ اخطار رفع نقص، مبنی بر پرداخت هزینه دادرسی در مهلت مقرر، اقدامی در پرداخت هزینه دادرسی به عمل نیاورد، در این صورت گروهی از حقوقدانان معتقدند که می‌بایست قرار رد دادخواست صادر شود و مبنای این نظر آن است که وقتی خواهان به‌عنوان مثال، دادخواستی را از ده میلیون به بیست میلیون تومان افزایش می‌دهد درحقیقت بیست میلیون تومان را به‌عنوان خواسته دادخواست قرار می‌دهد و چون هزینه دادرسی را پرداخت نکرده است، لذا به اعتبار مواد ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی، ضمانت اجرا، قرار رد دادخواست را به همراه دارد و گروهی دیگر معتقدند که قرار رد دادخواست فقط نسبت به قسمت اضافه صادر می‌شود و مبنای آن، این است که هر چند هزینه دادرسی نسبت به قسمت اضافی پرداخت شده، ولی دادخواست و خواسته اولیه قبل از افزایش، نقصی نداشته است و عدم رفع نقص نسبت به قسمت افزایش یافته، مجوز رد کلی دادخواست نیست و تنها قرار رد دادخواست نسبت به میزان افزایش یافته صادر خواهد شد. با بررسی و مقایسه این دو دیدگاه به نظر می‌رسد که

دیدگاه دوم، بیشتر منطبق با اصول آیین دادرسی مدنی و عدالت است. خواهان باید هزینه دادرسی را برابر افزایش خواسته خود پردازد، مگر در مواردی که امکان تقویم بهای خواسته در زمان افزایش خواسته ممکن نباشد. در این حالت خواهان مطابق قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، میزان تمبر معین را ابطال خواهد کرد و بقیه هزینه دادرسی را بعد از تعیین دقیق خواسته و صدور حکم، خواهد پرداخت (گروه پژوهشی افزایش خواسته در رویه دادگاه‌ها، ۱۳۹۷: ۲۰).

۳-۳-۲. رعایت اصل تناظر

در تمام مواردی که خواسته افزایش پیدا می‌کند، واضح است که اصل تناظر به‌عنوان یکی از اصول مترقی آیین دادرسی می‌بایست رعایت شود. بنابراین چنانچه خواننده در جلسه رسیدگی حضور نداشته باشد و یا در صورت حضور، امکان دفاع برای وی با توجه به تغییرات صورت گرفته میسر نباشد، دادگاه مکلف است با توجه به وحدت ملاک از ماده ۶۴، جلسه رسیدگی را تجدید کند. کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی اداره حقوقی دادگستری، در همین رابطه اعلام می‌کند: «اگر خواهان در اولین جلسه دادرسی خواسته خود را تغییر دهد، خواننده باید از آن مستحضر گردیده و دفاع نماید. رسیدگی دادگاه بدون اعلام تغییر خواسته به خواننده، صحیح نخواهد بود». بنابراین اگر بدون دادن حق دفاع در مقابل افزایش خواسته، دادگاه براساس خواسته افزایش یافته، رأی صادر کند این رأی قابل نقض در مراحل بعدی دادرسی خواهد بود، زیرا اصل تناظر از اصول اساسی دادرسی است و نقض آن، بی‌شک موجب نقض رأی صادره خواهد بود (همان، ۲۳).

۳-۳-۳. تفاوت افزایش خواسته با تأسیسات مشابه

بعضی از حقوقدانان افزایش خواسته را با خواسته‌های موضوع ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی یکسان دانسته‌اند و عده‌ای نیز افزایش خواسته را نوعی دعوای اضافی تلقی کرده‌اند. در ادامه به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

۳-۳-۳-۱. تفاوت افزایش خواسته با خواسته‌های متعدد

ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی، درمورد دعوای متعددی است که ضمن یک دادخواست اقامه شده است. طبق این ماده، دعوای متعدد بایستی با یکدیگر ارتباط کامل داشته باشند تا دادگاه ضمن یک دادخواست به آن‌ها رسیدگی کند وگرنه دادگاه آن‌ها را از هم تفکیک و با رعایت قوانین،

هریک را به‌طور جداگانه رسیدگی خواهد کرد. گاهی پیش آمده است که این موضوع را با افزایش خواسته یکی تلقی کرده و آن‌ها را یک مورد دانسته‌اند. در صورتی که باید اذعان کرد مسئله افزایش خواسته بعد از دادخواست اصلی پیش آمده است و به موجب لایحه یا درخواست جداگانه صورت خواهد گرفت. این دو موضوع در مواردی مشابه دارند، از جمله اجبار در منشأ واحد و مرتبط بودن آن‌ها با یکدیگر. ولی به‌طور کلی این دو موضوع حقوقی، یکسان نیست و تفاوت‌هایی نیز بر آن‌ها سوار است (همان، ۲۵).

۳-۳-۳. تفاوت افزایش خواسته با دعوای اضافی

-دعوای اضافی ناظر به حالتی است که خواهان می‌خواهد عنوان جدیدی به خواسته‌های خود بیفزاید. برای مثال، خواهان دادخواست تأیید فسخ قرارداد تقدیم کرده است و قصد دارد که دادخواست استرداد ثمن پرداختی، ناشی از آن قرارداد را نیز تقدیم کند. چون این عنوان، عنوان جدیدی است و هرچند با دعوای قبلی مرتبط است، لیکن بایستی در قالب دادخواست جدیدی، به‌عنوان دعوای اضافی مطرح شود، اما افزایش خواسته، ناظر به حالتی است که خواهان می‌خواهد بر حجم همان خواسته‌ای که داشته، بیفزاید. مانند آنکه میزان خواسته دعوای خود را از ۸۰ سکه به ۱۰۰ سکه افزایش دهد.

-دعوای اضافی به تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات نیاز دارد، اما افزایش خواسته، صرفاً به موجب یک درخواست ساده کتبی یا شفاهی به عمل می‌آید.

-از زاویه‌ای دیگر، عده‌ای از حقوقدانان نیز افزایش خواسته را جزئی از دعوای اضافی دانسته‌اند. اما با توجه به ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، افزایش خواسته دعوا نیست، بلکه نوعی درخواست است که نیازمند دادخواست جدید نیز نیست، زیرا این موضوع شرایط یک دادخواست یا دعوای جدید را ندارد، بلکه در ادامه دعوای سابق، مطرح شده و شرایط یک دعوا در دادخواست اولیه رعایت شده است و فقط خواسته اولیه، مجدد افزوده می‌شود. این موضوع نمی‌تواند دعوای جدید تلقی شود، برخلاف دعوای اضافی که باید در دادخواست و با رعایت تمام شرایط دادرسی اقامه شود (همان، ۲۶).

۴. افزایش خواسته در آرای دادگاهها

۴-۱. آرای دادگاههای بدوی و تجدیدنظر

لزوم مال بودن خواسته اصلی جهت افزایش خواسته: افزایش خواسته صرفاً در موردی امکان پذیر است که خواسته اصلی مالی باشد، در غیر این صورت خواسته جدید تلقی می شود و نیاز به تقدیم دادخواست جداگانه دارد.

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۶۸۰

تاریخ رأی: ۱۳۹۱/۶/۱

دعوی آقای (م.س) با وکالت خانم (الف.الف) به طرفیت آقایان ۱. (ع.پ) ۲. (و.ح) ۳.

(م.ت) ۴. (س.ف) به خواسته

صدور حکم به بطلان رأی داوری مورخ ۱۳۸۹/۴/۳۱ داوران است و متعاقباً به موجب لایحه وارده به شماره ۴۳۲-۱۳۸۹/۸/۳۰ خواسته ابطال سند عادی ضمان مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۷ مرقوم به (۵۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال را نیز به خواسته قبلی خود افزوده است. دادگاه پس از جری تشریفات قانونی و استماع اظهارات طرفین و مستندات ابرازی از سوی طرفین ملاحظه می نماید. اولاً: به موجب صفحه ... صورت جلسه مورخ ۱۳۸۹/۴/۲۲ که طی آن هیئت داوران با حضور طرفین موارد مورد اختلاف را مورد بررسی و اظهارات طرفین را مکتوب نموده اند در سطر ... صفحه ... مرقوم طرفین توافق نموده اند تا هیئت داوران حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۹/۴/۳۰ نسبت به صدور رأی داوری و ابلاغ آن به طرفین قرارداد از طریق ارسال اظهارنامه قانونی اقدام کنند و این موضوع در بند ... از صفحه ... لایحه تقدیمی از سوی خواندگان که طی شماره ۴۳۱-۱۳۸۹/۸/۳۰ ثبت دفتر دادگاه گردیده است نیز مورد تأیید خواندگان قرار گرفته است و این در حالی است که رأی هیئت داوران به ضمیمه اظهارنامه شماره ۱۰۸۹-۱۳۸۹/۵/۲ برای خواهان ارسال شده است و ایضاً داوران در کنار امضای خود تاریخ ۱۳۸۹/۷/۳۱ را مرقوم نموده اند. ثانیاً: هرچند به تصریح ماده ۶۹۴ از قانون مدنی علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دین که ضمانت آن را می نماید، شرط نیست و قطع نظر از اینکه از مضمون قرارداد ضمان مذکور، تعهد به انجام فعل استنباط می گردد و ضمانت از ترک فعل ثالث انطباق با موضوع عقد ضمان در قانون مدنی ندارد و در قانون مدنی عقد ضمان عبارت است از اینکه، شخصی دینی را که بر عهده دیگری است بر عهده بگیرد، در ماده یک بند «ب» قرارداد مذکور تصریح شده است که ضامن متعهد می گردد که شرکت (پ.م) کلیه اقداماتی که در ذیل این ماده آمده است را در موعد مقرر انجام خواهد داد و خود نیز شخصاً علاوه بر شرکت، عهده دار تمامی آنچه در زیر ذکر گردیده است خواهد بود و ایضاً در سایر مفاد قرارداد

مرفوم آقای (م.س) به‌عنوان ضامن به‌صورت موازی و به عبارتی به صورت توأمان با شرکت (پ.م) متعهد به انجام تعهداتی شده است، در حالی که پس از تحقق عقد ضمان، ذمه مضمون عنه که همانا شرکت (پ.م) می‌باشد لزوماً می‌بایست بری می‌گردیده است که در مانحن فیه ضامن به همراه شرکت متعهد شده است. ثالثاً: در بند ۵ ماده «ب» قرارداد مذکور تصریح شده است دریافت و یا تعویض کلیه اسناد تعهدآور که به امضای آقای (س.ف) رسیده و در ادامه در قسمت اخیر تبصره بند مرفوم تصریح شده است و یا هر تعهدی که تاکنون به وجود آورده و مورد شناسایی قرار نگرفته است که مآلاً بر فرض صحت عقد ضمان، به سبب جهل طرفین به این تعهدات و سایر موارد مبهم دیگر، موضوع صحت چنین قراردادی محل تردید است. رابعاً: انجام اقداماتی از سوی خواهان به‌عنوان متعهد از جمله فک رهن از املاک و حضور در مراجع مربوطه مستلزم اعطای نمایندگی و ایضاً وکالت رسمی از سوی مالکین رسمی املاک بوده است که چنین اختیاری به خواهان اعطا نشده است. خامساً: از ماده ۳ بند «ب» قرارداد ضمان، موضوع توافق در تعیین وجه التزام استنباط نمی‌شود، به لحاظ آنکه عبارت ماده مرفوم، ظهور در سپردن چک مرفوم در جهت تضمین اجرای مفاد قرارداد دارد و طرفین مبلغ شخصی را به‌عنوان وجه التزام در قرارداد پیش‌بینی نموده‌اند. سادساً: بعضی از تعهداتی را که خواهان متقبل تعهد انجام آن از سوی شرکت شده است، به سبب غیرقابل پیش‌بینی بودن زمان انجام این تعهدات از سوی مراجع ذی‌ربط، از جمله مراجع دولتی که این اقدامات از باب اعمال حاکمیت و تصدی (آنان) می‌باشد و از حیثه اقتدار خواهان و ایضاً طرفین خارج بوده و از این حیث نیز صحت چنین قراردادی محل تردید است، علی‌هذا دادگاه بنا به مراتب دعوی خواهان به طرفیت خواننده ردیف چهارم آقای (س.ف) را مستنداً به بند ۱ و ۴ از ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، ثابت تشخیص و حکم به ابطال رأی داوروری مورخ ۱۳۸۹/۴/۳۱ و نیز ابطال قرارداد ضمان مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۷ صادر و اعلام می‌نماید و درخصوص سایر خوانندگان به‌لحاظ عدم توجه دعوی نسبت به آنان مستنداً به بند ۴ از ماده ۸۴ ناظر به ماده ۸۹ قانون مرفوم، قرار رد دعوی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد (مجموعه آرای قضائی دادگاه‌های حقوقی، ۱۳۹۱: ۲۵).

رئیس شعبه ۱۰۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران - ترابی

تجدیدنظر خواهی آقای (س.ف) با وکالت آقایان (س.س) و (الف.ی) به طرفیت آقای (م.س) نسبت به دادنامه شماره ۴۳۶ مورخ ۱۳۹۰/۵/۲۲ صادره از شعبه ۱۰۶ دادگاه عمومی تهران می‌باشد، به موجب دادنامه موصوف دعوی تجدیدنظر خواننده به خواسته ابطال رأی داوروری مورخ

۱۳۸۹/۴/۳۱ و ابطال سند عادی ضمان مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۷ به علت خارج از مهلت بودن رأی داوران و مورد تردید بودن صحت قرارداد ضمان، مورد اجابت قرار گرفته و به شرح رأی معترض عنه اظهار نظر گردیده است. به نظر این دادگاه رأی مغایر با موازین قانونی صادر گردیده و شایسته تأیید نیست، زیرا برخلاف استدلال دادگاه، تمدید قرارداد داور و نحوه ابلاغ رأی داور در توافق نامه ۱۳۸۹/۴/۲۲، تصریح گردیده است، بنابراین دعوی ابطال رأی داور به جهت مذکور بلاوجه بوده که مورد توجه دادگاه نخستین قرار نگرفته است، لذا مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی، دادنامه تجدیدنظر خواسته، در این بخش نقض و آن گاه با استدلالی که گذشت، مستنداً به ماده ۱۹۷ قانون مذکور، حکم به بطلان دعوی در خصوص ابطال رأی داور صادر و اعلام می نماید و اما در خصوص ابطال قرارداد ضمان ۱۳۸۸/۱۱/۷ با عنایت به اینکه تلقی دادگاه نخستین از لایحه شماره ۴۳۲-۱۳۸۹/۸/۳۰ تجدیدنظر خوانده افزایش خواسته است. ولی آنچه مسلم است افزایش خواسته تسری به دعاوی مالی دارد و تغییر نحوه خواسته و دعوی نیز در این مورد مصداق ندارد و در حقیقت مشمول مقررات ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، نیست و اگر خواسته جدید تلقی شود نیز، نیاز به تقدیم دادخواست علی حده دارد. اساساً ورود دادگاه به ماهیت موضوع مغایر با قانون بوده، لذا با نقض حکم معترض عنه، مستنداً به ماده ۲ قانون اخیرالذکر، قرار رد دعوی خواهان بدوی (تجدیدنظر خوانده) را در خصوص ابطال سند ضمان صادر و اعلام می نماید (مجموعه آرای قضائی دادگاه های تجدیدنظر حقوقی، ۱۳۹۱: ۳۸).

رئیس شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

مصدّق مردد بودن خواسته: چنانچه خواهان از طرفی ابطال قرارداد به دلیل جعل امضا و از طرف دیگر به دلیل صوری بودن معامله را مطرح کند، موضوع از مصادیق مردد بودن خواسته تلقی و قرار عدم استماع دعوی صادر می شود.

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۱۳۹۴

تاریخ رأی: ۱۳۹۱/۱۱/۷

در خصوص دعوی خواهان آقای (غ.ر) به طرفیت آقایان (ق) (ن) هر دو (ش) به خواسته ابطال مبیعه نامه های شماره ... ۱۳۵۸/۲/۱۷ و ... ۱۳۵۸/۲/۲۵ به علت صوری بودن معاملات، دادگاه با التفات به جمیع اوراق پرونده و مناظرات طرفین، اولاً: خواهان در جلسه اول دادرسی، خواسته خود را به تخلیه ملک متنازع فیله و مطالبه اجرت المثل ایام تصرف، تغییر داده که با توجه به اینکه هیچ ارتباطی با دعوی طرح شده ندارد و لذا تغییر خواسته مردود می باشد. ثانیاً: خواهان هیچ گونه دلیلی مبنی بر صوری بودن معاملات، نداده است. من حیث المجموع، دعوی خواهان وارد نبوده و

به استناد ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم بر بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر خواهی می‌باشد.

دادرسی شعبه ۱۸۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران - محمدی‌پور

در مورد تجدیدنظر خواهی تجدیدنظر خواه (غ.ر) به طرفیت (ن.ش) (ق.ش) نسبت به دادنامه شماره ۵۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۶ صادره از شعبه ۱۸۴ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن حکم به بطلان دعوی صادر گردیده است. صرف نظر از استدلال دادگاه بدوی، اظهارات خواهان در جلسه اول دادرسی، تغییر خواسته نیست، بلکه به نوعی افزایش خواسته تلقی می‌شود. تجدیدنظر خواهی تجدیدنظر خواه، از این حیث موضوع، از موارد حکم بطلان دعوی نیست، موجه است، لیکن نظر به اینکه خواهان در متن مبایعه‌نامه از یک طرف، تقاضای ابطال را به لحاظ جعل امضا مطرح کرده است، سپس اعلام کرده است به لطایف الحیل از وی امضا گرفته‌اند و به دلیل صوری بودن، تقاضای ابطال را مطرح کرده است، در واقع خواسته خواهان بین دو امر مردود است، ابطال به لحاظ جعل امضا و ابطال به لحاظ صوری بودن، لذا مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم بر نقض رأی بدوی و قرار عدم استماع دعوی خواهان به لحاظ مردود بودن جهت خواسته صادر می‌نماید (مجموعه آرای قضائی دادگاه‌های تجدیدنظر حقوقی، ۱۳۹۱: ۴۵).

رئیس شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه، رجاء - استیری

مصادیق افزایش خواسته: در دعوای مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف، افزودن خلع ید تا پایان جلسه نخست دادرسی مصداق افزایش خواسته نبوده و خواسته جدید تلقی می‌شود و در قالب افزایش خواسته قابلیت استماع ندارد.

در پرونده‌ای به تاریخ ۱۳۸۹/۳/۵ دادخواستی به طرفیت خواننده به خواسته مطالبه قدرالسهم خواهان از اجرت‌المثل یک دستگاه سوئیت واقع در حیاط ملکی تقدیم و متقابلاً در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۷ دادخواستی به طرفیت ... به خواسته مطالبه قدرالسهم خواهان از اجرت‌المثل منزل ویلایی به پلاک ثبتی فوق‌الاشاره در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۱ تقدیم که پرونده‌های موصوف با صدور قرار رسیدگی توأمان، تجمیع می‌گردد. دادگاه اولاً: در خصوص دعوای اصلی مطروحه به طرفیت ... با عنایت به استقرار مالکیت رسمی ... نسبت به دو دانگ مشاع از ملک موضوع مذکور و همچنین استقرار مالکیت مشاعی و موروثی متداعیین نسبت به چهار دانگ دیگر آن و با التفات به احراز تصرفات انحصاری ... در سوئیت موضوع دعوی و با امعان نظر به عدم موافقت خواهان‌ها به استفاده انحصاری و مجانی خواننده از سوئیت مشاعی موصوف، دعوی خواهان‌ها را نسبت به خواننده وارد تشخیص و نظر به اینکه خواننده دلیل و مدرکی که مثبت بی‌حقی خواهان‌ها در طرح

دعوی و یا مشروعیت تصرفات انحصاری خویش در سوئیت مرقوم باشد، به دادگاه ارائه ننموده و در پرونده نیز موجود نمی‌باشد و با توجه به اینکه کارشناس رسمی منتخب دادگاه به موجب نظریه وارده به شماره ۴۹۷-۱۳۹۱/۲/۳۱ دفتر دادگاه اجرت‌المثل، شش دانگ سوئیت مرقوم را از تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۶ (تاریخ فوت) لغایت ۱۳۸۵/۶/۹ به مبلغ ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی نموده که سهم ... بر مبنای دو دانگ ایشان مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بوده و الباقی (۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) قدرالسهم متداعیین از اجرت‌المثل معینه می‌باشد. ثانیاً ... لذا مستفاد از ماده ۹۶ و مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار عدم استماع دعوی اعلام می‌گردد (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۵۸).

شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران

خواننده دعوی تجدیدنظرخواهی نسبت به دادنامه صادره از شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران تقدیم نموده است. براساس دادنامه موصوف دعوی اصلی تقدیمی تجدیدنظر خوانندگان دایر به مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف در یک دستگاه سوئیت واقع در حیاط ملکی تقدیم که از تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۶ لغایت ۱۳۸۴/۵/۳۰ با اتکا به نظریه کارشناس، مورد پذیرش قرار گرفته، حکم بر محکومیت تجدیدنظر خواه به پرداخت مبلغ ۶۷/۷۰۰/۰۰۰ ریال در حق تجدیدنظر خوانندگان صادر شده و درخصوص دعوی تقابلی تقدیمی تجدیدنظرخواه به طرفیت تجدیدنظرخواننده به خواسته مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف از تاریخ ۱۳۸۸/۲/۱ با اتکا به نظریه کارشناس حکم بر محکومیت تجدیدنظرخواننده به پرداخت مبلغ ۱۰۸/۸۰۵/۰۰۰ ریال بابت اجرت‌المثل ایام تصرف در آپارتمان طبقه اول جزء پلاک ثبتی فوق‌الذکر از تاریخ ۱۳۸۸/۳/۱ لغایت ۱۳۸۹/۱۲/۷ در حق تجدیدنظرخواه صادر شده و راجع به دعوی مطالبه اجرت‌المثل آپارتمان طبقه دوم ملک موضوع دعوی با توجه به عدم احراز تصرفات، حکم به رد دعوی صادر شده و درخصوص دعوی خلع ید مطروحه از سوی تجدیدنظرخواه به این جهت که دعوی مذکور در قالب افزایش خواسته مطرح شده و موضوع از مصادیق افزایش خواسته نبوده، بلکه دعوی جدید محسوب می‌شود، قرار عدم استماع دعوی صادر شده است ... بنا به مراتب مذکور به تجویز ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی و با رعایت ماده ۳۵ قانون مرقوم، ضمن رد اعتراض دادنامه تجدیدنظر خواسته که من حیث المجموع موافق موازین قانونی با رعایت اصول دادرسی صادر شده تأیید و استوار می‌گردد (همان، ۳۳).

شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲-۴. آرای دادگاه انتظامی قضات

با انصراف از اعلام رضایت شاکی انتظامی، دفاع رئیس شعبه دادگاه حقوقی یک (با ارسال تصویر دو فقره دادخواست اولی به خواسته تقاضای خلع ید از سه دانگ مشاع از ملکی و دومی به خواسته خلع ید غاصبانه از قسمت‌های متصرفی خوانده از پلاک مزبور و نیز نزع اشجار و قلع و قمع مستحدثات به خواهان‌های متفاوت)، این است که در هریک از پرونده‌ها میزان خواسته مشخص است و اصولاً تغییر یا افزایش خواسته خلاف واقع است، نظریه اداره ثبت و نظریه هیئت کارشناسان منتخب، حکایت از تصرف و تجاوز خوانده دارد و خوانده به موجب صورت جلسه اجرای قرارهای معاینه و تحقیق محلی منکر تصرف و مالکیت نشده و تقاضای رجوع امر به کارشناس نموده است، ولی بعد از مداخله وکیل با استفاده از ترفندهای وکالتی، به عدم مالکیت خود توسل جسته و استفاده از نظر هیئت کارشناسان پرونده اول در پرونده دوم که موضوعات از لحاظ پلاک ثبتی با پرونده اول یکسان بوده نیز بلاشکال بوده و منافاتی با مقررات قانون نداشته است. مشاور دادگاه نیز با عنایت به اینکه از مشاورین معمولاً در دادگاه‌های مختلف برای گرفتن امضا استفاده می‌شود با توجه به اینکه مشاور رأی نمی‌دهد خود را مسئول ندانسته است. علی‌هذا نظر به مراتب فوق در مورد مشاور چون براساس ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو مصوب ۱۳۶۴ حق رأی با رئیس یا دادرس دادگاه است و مشاور تنها به تقدیم نظر خود به دادگاه اقدام می‌کند. به نظر این دادگاه، مسئولیتی متوجه مشاور نیست و برائتش اعلام می‌شود. نسبت به رئیس دادگاه نیز با توجه به مدافعات ایشان، دادگاه تخلفی را که متضمن بار مسئولیت انتظامی باشد علیه نامبرده احراز نکرده و برائت او را اعلام می‌نماید (کریم‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۹۷).

۳-۴. نشست قضائی

عدم ابطال تمبر هزینه دادرسی در مورد افزایش خواسته

پرسش: در یک پرونده، خواهان خواسته خود را افزایش داده و تمبر هزینه دادرسی خواسته افزایش یافته را ابطال نکرده است. نسبت به پرداخت هزینه دادرسی خواسته افزایش یافته، توسط مدیر دفتر اخطار رفع نقص صادر شده اما خواهان نسبت به رفع نقص اقدام نکرده است. در این شرایط آیا مدیر دفتر دادگاه می‌تواند دادخواست خواهان را رد کند یا اینکه دادگاه باید هنگام صدور رأی، خواسته افزایش یافته خواهان را رد کند؟ (مجموعه نشست قضائی دادگستری تبریز، اردیبهشت ۱۳۸۴).

نظریه‌های ابرازی: نظر اول: نظر به اینکه دادخواست خواهان قبل از افزایش خواسته، مطابق مقررات به جریان افتاده و در کل صدور قرار رد دادخواست توسط مدیر دفتر دادگاه خلاف موازین قانونی و دور از انصاف و عدالت قضائی است و نظر به اینکه رسیدگی به دعوی که هزینه دادرسی آن پرداخت نشده باز مخالف با مقررات آیین دادرسی مدنی است، نه کل دادخواست خواهان قابل رد است و نه کل دعوی نامبرده قابل رسیدگی است، بنابراین دادخواست را نسبت به آن قسمت از خواسته که هزینه دادرسی آن پرداخت نشده است باید رد کرد و مطابق قانون آیین دادرسی مدنی، رد دادخواست نیز از اختیارات و وظایف مدیر دفتر است و در صورتی که مدیر دفتر به این تکلیف عمل نکند، دادگاه هنگام رسیدگی و صدور حکم با اخذ وحدت ملاک از ماده ۳۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار رد دعوا را نسبت به خواسته افزایش یافته صادر خواهد کرد. نظر دوم: با توجه به اینکه بعد از افزایش خواسته، خواسته خواهان از میزان قبلی به میزان افزایش یافته تغییر می‌یابد و این مورد در حکم آن است که خواهان از ابتدا خواسته خود را به میزان تغییر یافته تعیین کرده است و با توجه به اینکه در صورت عدم تأدیه هر میزان از هزینه دادرسی، مدیر دفتر دادگاه حق رد دادخواست را داراست، مدیر دفتر دادگاه کل دادخواست متقاضی را رد خواهد کرد. نظر سوم: در صورتی که دعوا و خواسته خواهان قابل تجزیه باشد، دادخواست فقط نسبت به قسمت افزایش یافته رد خواهد شد، در غیر این صورت به جهت جریان قانونی دادخواست، مدیر دفتر دادگاه حق رد دادخواست را ندارد. از آنجا که رد دادخواست از وظایف دادگاه نیست، دادگاه نسبت به کل دعوا رسیدگی خواهد کرد، لیکن مطابق بند ۲۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، اجرای حکم را منوط به پرداخت هزینه دادرسی خواهد کرد. نظر کمیسیون: این سؤال در دو کمیسیون تخصصی مطرح شده است.

نشست قضائی: بر حسب مقررات ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، خواهان می‌تواند تا اولین جلسه دادرسی خواسته خود را افزایش دهد. در این صورت بدو باید مراتب به خواننده ابلاغ و سپس هزینه دادرسی مازاد بر خواسته اولیه از خواهان مطالبه شود و این اقدام به دو صورت امکان پذیر است. اگر خواهان تا قبل از جلسه دادرسی شخصاً در دادگاه حاضر و خواسته خود را افزایش دهد دیگر احتیاجی به صدور و ارسال اخطار رفع نقص برای وی نیست، لذا به وی تکلیف می‌شود که هزینه دادرسی را بر مبنای خواسته مورد تقاضا بپردازد. در صورت پرداخت، هزینه دادرسی خواسته مطابق مبلغی است که تقاضا شده است. در صورت پرداخت، هزینه دادرسی خواسته مطابق مبلغی است که خواهان اعلام کرده است، اما اگر خواهان فقط با ارسال لایحه، خواسته خود را افزایش دهد برای دریافت هزینه دادرسی صدور اخطاریه از طرف دفتر دادگاه جهت

وی ضروری است، ولی در هر دو مورد در صورت عدم پرداخت هزینه دادرسی نیازی به صدور قرار رد نیست و دادگاه فقط به تقاضای خواهان ترتیب اثر نمی‌دهد و خواسته وی همان مبلغی است که در دادخواست تعیین شده، زیرا اصولاً افزایش خواسته تقاضاست نه دادخواست، به این جهت نیازی به صدور قرار رد نیست. بدیهی است کم کردن خواسته تا انتهای مراحل رسیدگی امکان‌پذیر است.

نشست قضائی: افزایش خواسته مطابق ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه دادرسی به دادگاه اعلام شده باشد. چنانچه در جلسه اول دادگاه افزایش خواسته صورت پذیرد، دادگاه پرونده را جهت رفع نقص به دفتر اعاده خواهد کرد، در هر حال قرار رد دادخواست نسبت به کل خواسته با موازین قانونی منطبق نیست.

پرسش: چنانچه فردی به موجب تقدیم دادخواست مطالبه مبلغ دو میلیون تومان و دعوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی را خواستار شود و دادگاه در خصوص اعسار حکم به قبولی اعسار موقت خواهان صادر کند و خواهان در جلسه اول دادگاه با اختیار حاصله از ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، خواسته‌اش را افزایش دهد آیا دعوی اعسار قبلی نسبت به افزایش خواسته قابل تسری است یا اینکه خواهان باید نسبت به افزایش خواسته هزینه دادرسی پرداخت کند؟

نظر اکثریت: به پرداخت هزینه دادرسی و طرح دعوی اعسار مجدد لازم نیازی نیست، چون معافیت از هزینه دادرسی مربوط به خواسته نیست، بلکه مربوط به دعواست، لذا چون دعوا فرق نکرده به پرداخت هزینه دادرسی و طرح دعوی اعسار مجدد نیازی نیست.

نظر اقلیت: هزینه دادرسی باید پرداخت شود و باید مجدداً دعوی اعسار برای افزایش خواسته مطرح شود.

نظر کمیسیون: در صورت قبول دعوی اعسار خواهان توسط دادگاه، وی از پرداخت هزینه دادرسی به دلیل عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود، با احراز صحت ادعای مطروحه (دعوی خواهان) و طی مراحل و تشریفات قانونی توسط دادگاه، هزینه دادرسی از وی (خواهان) اخذ نخواهد شد (مجموعه نشست‌های قضائی، ۱۳۸۳: ۵۹).

افزایش خواسته در اولین جلسه دادرسی

پرسش: خواهان دعوی مالی در اولین جلسه دادرسی خواسته خود را افزایش می‌دهد، تکلیف دادگاه در مورد خواسته افزایش داده شده چیست؟ (مجموعه نشست‌های قضائی دادگستری مراغه، ۱۳۸۳: ۴۲).

نظر اکثریت: دفتر دادگاه اقدام به صدور اخطاریه رفع نقص کرده است. در صورت رفع نقص در موعد و مهلت مقرر رسیدگی ادامه می‌یابد و الا ضمن فک پرونده دادخواست در این قسمت توسط دفتر رد می‌شود و در قسمت خواسته بدوی رسیدگی ادامه می‌یابد.

نظر اقلیت: با توجه به شروع رسیدگی و ورود به ماهیت دفتر نمی‌تواند در مورد موضوع تصمیم اتخاذ کند و مقایسه مورد به رفع نقص موضوع ماده ۵۴ از قانون آیین دادرسی مدنی، صحیح نیست. دادگاه به رسیدگی ادامه می‌دهد و در زمان صدور حکم نسبت به میزان افزایش داده شده دعوا را رد می‌کند.

نظر کمیسیون نشست قضائی: بر حسب مقررات ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی همان است که در دادخواست قید شده، لیکن در ماده ۹۸ همان قانون، به خواهان اجازه داده شده است که در تمام مراحل دادرسی خواسته خود را تقلیل دهد. افزودن به میزان خواسته یا تغییر نحوه دعوا در صورتی ممکن است که با خواسته مطروحه مربوط و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه دادرسی به دادگاه اعلام شده باشد. در سؤال مطروحه که خواهان در جلسه اول دادرسی خواسته خود را افزایش داده مکلف است هزینه دادرسی افزایش خواسته را بپردازد و الا پس از صدور اخطار رفع نقص از طرف مدیر دفتر، در صورت عدم پرداخت هزینه دادرسی این افزایش خواسته مردود اعلام و فقط به دعوی قبلی که هزینه دادرسی آن پرداخت شده است رسیدگی می‌شود.

اعسار از هزینه دادرسی در صورت افزایش بهای خواسته

پرسش: چنانچه فردی به موجب تقدیم دادخواست مطالبه مبلغ دو میلیون تومان و دعوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی را خواستار شود و دادگاه در مورد اعسار حکم به قبولی اعسار موقت خواهان صادر کند و خواهان در جلسه اول دادگاه با اختیار حاصله از ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، خواسته‌اش را افزایش دهد آیا دعوی اعسار قبلی نسبت به افزایش خواسته قابل تسری است یا اینکه خواهان باید نسبت به افزایش خواسته هزینه دادرسی پرداخت کند؟ (مجموعه نشست‌های قضائی دادگستری بندر عباس، ۱۳۸۳: ۸۵).

نظر اکثریت: به پرداخت هزینه دادرسی و طرح دعوی اعسار مجدد نیازی نیست، چون معافیت از هزینه دادرسی مربوط به خواسته نیست، بلکه مربوط به دعواست، لذا چون دعوا فرق نکرده است نیازی به پرداخت هزینه دادرسی و طرح دعوی اعسار مجدد نیست.

نظر اقلیت: هزینه دادرسی باید پرداخت شود و باید مجدداً دعوی اعسار برای افزایش خواسته مطرح شود.

نظر کمیسیون نشست قضائی: در صورت قبول دعوی اعسار خواهان توسط دادگاه، وی از پرداخت هزینه دادرسی به دلیل عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود، با احراز صحت ادعای مطروحه (دعوی خواهان) و طی مراحل و تشریفات قانونی توسط دادگاه، هزینه دادرسی از وی (خواهان) اخذ نخواهد شد و افزایش یا نقصان خواسته تأثیری در وضع معسر نداشته و نیازی به طرح دعوی مجدد نیست، زیرا دعوی اعسار وی از پرداخت هزینه دادرسی به اثبات رسیده است.

۴-۴. نظریه مشورتی

آیا افزایش بهای خواسته بعد از جلسه اول دادرسی قانونی است و در صورتی که خواهان وفق ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، خواسته خود را افزایش دهد و مابه‌التفاوت هزینه دادرسی را نپردازد تکلیف چیست؟

نظریه اداره کل امور حقوقی و اسناد قوه قضائیه: منظور از افزایش خواسته در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹، تغییر دادن و اضافه کردن خواسته نخستین مندرج در دادخواست است. افزایش خواسته تا جلسه نخست دادرسی اشکالی ندارد، ولی افزودن یا تغییر نحوه دعوی یا خواسته در دادخواست باید با خواسته نخستین دارای منشأ واحد باشد و افزایش خواسته موضوع این ماده غیر از افزایش بهای خواسته موضوع ماده ۶۳ همین قانون است، بنابراین افزایش خواسته چنانچه وجه نقد باشد، مثلاً از سه میلیون ریال به یکصد میلیون ریال و نیز افزودن مطالبه اجرت‌المثل به خواسته اولیه که خلع ید بوده و به لحاظ وحدت منشأ تا پایان جلسه دادرسی نخستین بلااشکال است. چنانچه خواهان طبق ماده ۹۸ قانون یادشده خواسته خود را افزایش دهد مکلف است هزینه دادرسی را نسبت به مابه‌التفاوت نیز پرداخت کند. عدم پرداخت هزینه دادرسی مذکور از موارد نقص دادخواست محسوب و در صورتی که با اخطار رفع نقص، خواهان به تکلیف قانونی خود عمل نکند دادخواست به طور کلی رد می‌شود (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۴۸).

۴-۵. آرای دیوان عالی کشور

طبق ماده ۳۹۱ قانون مدنی، در این مورد که مشتری جاهل به وجود کسری بوده باید علاوه بر استرداد ثمن از عهده خسارت وارده بر مشتری نیز برآید.

شماره دادنامه: ۸/۹۰

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۳/۳/۲

در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۹ آقای (ت) دادخواستی به طرفیت آقای حاج (م) طرح و محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ یکصد و نود و یک هزار و دویست و پنجاه تومان از بابت مستحق للغير بودن، ملک مورد معامله را خواستار شده که پرونده ابتدا به شعبه دوم دادگاه حقوقی دو سلماس ارجاع و سپس با افزایش خواسته به مبلغ سیصد و نود هزار تومان به شرح دادخواست و جلسه دادگاه مذکور قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت رسیدگی دادگاه حقوقی یک سلماس اعلام نموده که پرونده در دادگاه حقوقی یک مطرح رسیدگی گردیده است. خواهان بدوی در دادخواست خود مفاداً عنوان نموده که اقدام به خرید سیصد متر مربع زمین از خواننده نموده که کل ثمن معامله نیز پرداخت گردیده است، لیکن بعداً معلوم شده که مساحت ۱۷۲/۵ متر مربع از زمین مورد معامله را به شخص دیگری فروخته است. برابر ماده ۳۹۰ قانون مدنی، محکومیت خواننده تقاضا می‌شود. دادگاه حقوقی یک سلماس پس از رسیدگی و استماع اظهارات خواننده و صدور قرار معاینه محلی و اجرای قرار مذکور و قرار استماع گواهی گواهان خواهان و ادای توضیحاتی از سوی خواهان و ارجاع امر به کارشناس اهل خبره و وصول نظریه کارشناس منتخب دادگاه و تکمیل کارشناسی و نظریه کارشناس در زمینه قیمت هر متر مربع زمین مورد اختلاف و تجدید جلسه به علل منعکس در پرونده، سرانجام دادگاه مبادرت به صدور نظریه و متعاقباً رأی نموده است که بدین مضمون است «نظر به منطوق ماده ۳۹۱ قانون مدنی و اینکه در پرونده حاضر، مبيع به مقدار یکصد و بیست و هفت متر مربع کسر متراژ را دارد و توجهاً به قولنامه منعقد بین طرفین که زمین به مبلغ هر متر مربعی هشتصد و سی و پنج ریال خریداری شده است، لذا خواهان مستحق دریافت مبلغ یکصد و پنج هزار ریال ثمن مقدار کسری می‌باشد و دادگاه حکم به محکومیت خواننده به پرداخت آن در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد». آقای (ت) به رأی صادره اعتراض و خلاصتاً عنوان نموده که با اصلاح مقدار صحیح قسمتی که به دیگری فروخته شده به میزان ۱۲۳ متر مربع در سال ۱۳۵۴ که ملک را خریداری نموده هر رأس گوسفند خود را یکصد تومان فروخته و ملک را خریده است که اکنون هر رأس گوسفند یکصد هزار ریال می‌باشد، آیا رواست بها و قیمت روز خرید را دریافت دارد و تقاضای نقض حکم را می‌نماید. هیئت شعبه در تاریخ فوق تشکیل گردید، گزارش آقای ... عضو ممیز به هنگام رسیدگی و صدور رأی قرائت می‌شود.

رأی شعبه ۸ دیوان عالی کشور

اعتراض تجدیدنظرخواه این است با اینکه کارشناس قیمت روز زمین را تعیین کرده دادگاه بهای تاریخ خرید را در حکم منظور و با توجه به ترقی قیمت‌ها رأی دادگاه صحیح نیست و درخواست وی این بوده که خواننده یا زمین را تحویل دهد یا قیمت روز آن را پرداخت نماید. اعتراض تجدیدنظرخواه

در مورد قیمت زمین نتیجتاً وارد است، زیرا خواهان در دادخواست خسارت هم مطالبه کرده و طبق ماده ۳۹۱ قانون مدنی در این مورد که مشتری جاهل به وجود کسری بوده، بائع باید علاوه بر استرداد ثمن از عهده خسارات وارده بر مشتری نیز برآید و در صورت جلسه ۱۳۶۲/۱۰/۲۹ دادگاه، خواهان قیمت ۱۲۷ متر مربع کسری زمین را از قرار متر مربعی دو هزار و پانصد تومان مطالبه کرده که کم‌تر از قیمت تعیینی از طرف کارشناس است و بایستی دادگاه بهای ۱۲۷ متر مربع را از هر متر مربع دو هزار و پانصد تومان محاسبه و مورد حکم قرار می‌داد و تعیین قیمت بر مبنای سند فروش صحیح نبوده و مخالف مندرجات پرونده و قانون است، لذا دادنامه تجدیدنظر خواسته نقض می‌شود و رسیدگی و صدور رأی به دادگاه حقوقی یک ارومیه محول می‌گردد (بازیگر، ۱۳۸۰: ۳۱).

نتیجه

- در باب وحدت و یا تفکیک دعوای اضافی و تغییرات ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی اختلاف وجود دارد. با نقد و بررسی که در این تحقیق انجام پذیرفت و با توجه به سابقه تقنینی و جایگاه ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی که از ابتدای روند قانونگذاری در حقوق ایران، ذیل عناوینی چون رسیدگی به دعوا و جلسه دادرسی (و نه دعوای طاری) آمده است و به موجب آن صرفاً تغییراتی در خواسته مطروحه از جانب خواهان انجام می‌پذیرد و همچنین بررسی مصادیق ماده ۹۸ مذکور شامل افزایش و تغییر خواسته و همچنین تغییر نحوه دعوا و درخواست دیدیم که این تغییرات، ارتباطی به دعوای اضافی موضوع ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی ندارد و متفاوت از آن است، زیرا در این موارد، صرفاً تغییراتی در خواسته‌هایی ایجاد می‌شود که از قبل به وسیله خواهان مطرح شده است که این تغییرات با توجه به ظاهر همین ماده مورد درخواست قرار می‌گیرد. در حالی که ماده ۱۷ در مقام بیان یکی از مصادیق دعوای طاری، به دعوایی اشاره می‌کند که از جانب خواهان علیه خوانده اقامه می‌شود و با دعوای اصلی دارای ارتباط و یا وحدت منشأ است؛ یعنی اینکه، در حقوق ایران با تغییر نحوه بیان قانونگذار، تعاریف متفاوت مواد ۱۷ و ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، سابقه تقنینی و... این دو نهاد از یکدیگر متمایز شده‌اند و باید عقیده تفکیک این دو را از یکدیگر پذیرفت. در جای خود، پذیرش هر یک از این نظریات، دارای آثاری است که مهم‌ترین آن‌ها تشریفات دادخواست و رابطه بین شرط ارتباط و یا وحدت منشأ است. با این توضیح که اگر نظریه وحدت را بپذیریم دیگر تشریفات دادخواست در دعوای اضافی بی‌معنا خواهد شد و همچنین با توجه به ظاهر ماده ۹۸، لازم است هر دو شرط ارتباط و وحدت منشأ توأمان موجود باشد. در حالی که اگر قائل به نظریه تفکیک شویم در تغییرات ماده ۹۸ نیازی به رعایت تشریفات

نیست، ولی برای دعوای اضافی، حتماً تشریفات آیین دادرسی مدنی لازم‌الرعایه است. علاوه بر این در صورت تفکیک، در دعوای اضافی وجود یکی از دو شرط ارتباط، ارتباط کامل و یا وحدت منشأ کافی است و نیازی به وجود توأمان هر دو شرط و تکلف برای توجیه، کفایت یکی از دو شرط نیست. در مورد شرط ارتباط و یا ارتباط کامل نیز مواد ۱۷ و ۱۴۱ قانون معارض است که در این خصوص نیز نظرات مختلف ارائه شد. در نهایت دیدیم که در حقوق فرانسه و لبنان همچنین تفکیکی بین افزایش خواسته و دعوای اضافی وجود ندارد و این دو بر یکدیگر منطبق‌اند. علاوه بر این در حقوق این کشورها صرفاً از ارتباط در قالب «ارتباط کافی» یا «تلازم» بحث می‌شود و به هیچ نحو در دعوای طاری و از جمله دعوای اضافی به شرط وحدت منشأ اشاره نشده است.

با توجه به تحلیل‌ها و توضیحات پیش‌گفته، موارد ذیل می‌بایست تحت عنوان ارائه الگوی مطلوب از افزایش خواسته در حقوق ایران، مورد توجه قانونگذار قرار گیرد:

- برای جلوگیری از تحمیل هزینه‌های زائد و تضییع اوقات دادگاه و متداعیین پرونده و سهولت در رسیدگی، قانونگذار طرح تقدیم دعوی اعم از اینکه مربوط به افزایش تعداد خواسته (افزودن خواسته جدید) یا افزودن کمی خواسته (میزان خواسته) باشد با ارائه دادخواست و رعایت تشریفات دادرسی مورد پذیرش قرار می‌دهد.

- در اصلاح قانون، از میان شرط وحدت منشأ و ارتباط کامل در انطباق دعوای افزایش با دعوای اصلی، فقط شرط وجود «ارتباط کامل»، کافی است.

- جهت جلوگیری از طرح صوری افزایش خواسته و لزوم مدلل کردن مبنای ارائه این دعوا توسط خواهان، ابتدا دلیل عدم درج دعوای ثانی در زمان تقدیم دادخواست اولیه مورد بررسی و سپس در صورت وجود عذر قانونی، دعوای افزایش خواسته مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

- قانونگذار می‌تواند پایان مهلت ارائه دعوای افزایش خواسته را بعد از اولین جلسه دادرسی، به رضایت خوانده پرونده منوط سازد.

- رعایت کامل اصل تناظر توسط دادگاه، به‌ویژه در زمان طرح دعوای افزایش خواسته توسط خواهان، در موقعی که خوانده دعوا در جلسه اول رسیدگی حضور نداشته و از دعوای جدید نیز مطلع نشده است.

- حذف اصطلاح افزایش خواسته از ماده ۹۸ و تأسیس یک ماده واحده به شرح ذیل:

ماده واحده: خواهان دعوای افزایش، می‌تواند دادخواست خود را حداکثر تا پایان اولین جلسه دادرسی و در صورت وجود ارتباط کامل، به دادگاهی که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است، تقدیم کند.

منابع

فارسی

- احمدی، نعمت (۱۳۷۱)، آیین دادرسی مدنی، تهران: اطلس.
- انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری (۱۳۸۴)، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد ۲، تهران: جنگل، جاودانه و محراب فکر.
- بازیگر، یداله (۱۳۸۰)، قانون مدنی در آیین آرای دیوان عالی کشور (بیع و احکام راجع به آن)، تهران: دانش نگار.
- بدریان، فخرالدین (۱۳۷۴)، بررسی تطبیقی دعوای متقابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- بهشتی، محمدجواد و نادر مردانی (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: میزان.
- پوراستاد، مجید (۱۳۸۷)، مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی و مؤسسه حقوق آمریکا، اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰)، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- خلیل، احمد (۲۰۰۱)، اصول المحاکمات المدنیة، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
- کریم‌زاده، احمد (۱۳۸۹)، آرای دادگاه‌های عالی انتظامی قضات (حقوقی)، تهران: جنگل.
- گروه پژوهشی (۱۳۹۷)، افزایش خواسته در رویه دادگاه‌ها، تهران: چراغ دانش.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۵)، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، تهران: دراک.
- مهاجری، علی (۱۳۸۵)، آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران، تهران: فکرسازان.
- متین‌دفتری، احمد (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد دوم، تهران: مجد.
- مجموعه نشست‌های قضائی (۱۳۸۳)، مسائل آیین دادرسی مدنی، جلد ۵، قم: قضا.
- مجموعه آرای قضائی دادگاه‌های تجدیدنظر (حقوقی) (۱۳۹۱)، چاپ اول، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۷)، رویه قضائی در ارتباط با دادگاه‌های عمومی حقوقی، جلد نخست، تهران: انتشارات جنگل.
- مقصودپور، رسول (۱۳۹۱)، دعوای طاری و شرایط اقامه آن، تهران: مجد.
- مولودی، محمد (۱۳۸۱)، «دعوای اضافی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸.
- واحدی، قدرت‌الله (۱۳۷۸)، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، تهران: نشر میزان با همکاری نشر دادگستر.
- واحدی، جواد (۱۳۷۰)، «دعوای متقابل»، مجله قضائی و حقوقی دادگستری، شماره ۲.
- یمرلی، صالح و مهدی صیادی (۱۳۹۶)، «مفهوم و آثار افزایش خواسته در دادرسی مدنی، انگلیسی»، سومین کنفرانس ملی علوم انسانی، بندرعباس: دانشگاه پیام نور هرمزگان.

انگلیسی

- Gerard couches (1998), Jean –pierre Langlade et Daniel lebeau, procedure civile, dalloz.